

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راه‌های علمی اثبات دعوا در فقه و حقوق اسلامی



مؤلفین:

طاهره فرمنش - دکتر علی تقی خانی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: فرمنش، طاهره، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: راه‌های علمی اثبات دعوا در فقه و حقوق اسلامی / مولفین طاهره فرمنش، علی تقی‌خانی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۴ ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۷۳-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: ادله اثبات دعوی (فقه)
موضوع	: Evidence, Demonstrative (Islamic law)
موضوع	: ادله اثبات دعوی -- ایران
موضوع	: Evidence, Demonstrative-- Iran
شناسه افزوده	: تقی‌خانی، علی، ۱۳۶۱ -
رده بندی کنگره	: BP۱۹۵/۴/ف۴۲ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۲۳۱۲۸

نام کتاب	: راه‌های علمی اثبات دعوا در فقه و حقوق اسلامی
ناشر	: چتر دانش
مؤلفین	: طاهره فرمنش - دکتر علی تقی‌خانی
نوبت و سال چاپ	: دوم - ۱۴۰۰
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۷۳-۱
قیمت	: ۱۰۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه نوروز - پلاک ۱۳
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۷۸۹۱۵ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹
پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com
کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

تقدیم بہ:

«اسوہی صبر و استقامت و شہامت

حضرت زینب کبریٰ سلام اللہ علیہا»

تشکر و قدردانی:

حمد خدایی را که با الطاف خود توفیق انس با آیات نورانی و حیات بخش قرآن کریم را ارزانی‌ام داشت و سلام و درود بیکران بر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، انبیای عظام و ائمه هدی (علیهم السلام) به ویژه حضرت مهدی صاحب الزمان (عج الله تعالی فرجه الشریف).

بر خود فرض می‌دانم که از راهنمایی، مشاوره و مساعدت استاد گرانقدر، حضرت حجة الإسلام والمسلمین دکتر چیت‌سازیان استاد راهنمایم که در تحقیق و تنظیم این رساله این حقیر را راهنمایی نمودند، و همچنین از پدر و مادرم؛ این دو گوهر بالارزش زندگی خود، که از دریای محبت خویش بی‌دریغ و بی‌توقع سیراب نمودند و به خاطر همه‌ی مساعدت‌ها و تحمل سختی‌هایی که در امر تکمیل این کار بر دوش کشیدند، کمال تشکر و سپاس را داشته باشم واز درگاه خداوند علیم و حکیم برای این بزرگواران خواستار سلامتی و سربلندی در دنیا و آخرت باشم.

چکیده

پیشرفت‌های روزافزون علم و فناوری در همه عرصه‌های زندگانی بشری از جمله عرصه علوم قضایی، موجب شده است تا استفاده از راه‌های علمی اثبات در این سیستم بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در عین حال این راه‌ها به دلیل داشتن توانایی ایجاد اقناع در وجدان متصدی امر قضاوت؛ یعنی قاضی، و تسهیل و تسریع کشف حقیقت در پرونده‌های مطروحه، بیشتر از ادله دیگر در مسیر صدور حکم مورد استفاده قرار می‌گیرند و این مسئله ایجاب می‌کند که این راه‌ها شناسایی و ارزش اثباتی آنها مورد بررسی قرار گیرد.

کتاب حاضر با طرح راه‌های علمی اثبات دعوا در فقه و حقوق اسلامی، سعی بر آن دارد که غالب این راه‌ها را که هم اکنون در سیستم قضایی و پلیس علمی در اولین مراحل رسیدگی از آنها استفاده می‌شوند ذکر و ارزش اثباتی آنها را از منظر فقه که مبنای قوانین مدون در حقوق اسلامی است؛ هم چنین از منظر حقوق، مورد تحلیل قرار دهد. در این راستا مسئله را در پنج فصل بیان نموده ایم. در فصل نخست به تبیین مفاهیم و کلیاتی که برای درک بهتر این راه‌ها بدان نیازمندیم، پرداخته سپس در فصل دوم به ذکر جایگاه ادله اثبات دعوا در فقه و حقوق اسلامی و در فصل سوم گستره راه‌های علمی اثبات دعوا شده و در فصل چهارم رویکرد فقه و حقوق اسلامی به ارزش اثباتی این راه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. و در نهایت در فصل پنجم نتایج، بررسی و پیشنهادهای بیان شده است. لازم به یادآوری است که آنچه در نوشته‌ی حاضر آمده جامعیت و مانعیت ندارد و ممکن است با پیشرفت‌های روزافزون علم، راه‌های دیگری به کمک سیستم‌های قضایی در جوامع بشری ارائه شود.

فهرست

مقدمه.....	۱۲
فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱۵
۱. ۱. کلیات.....	۱۶
۱. ۱. ۱. بیان مسئله‌ی تحقیق.....	۱۶
۱. ۱. ۲. سؤالات تحقیق.....	۱۶
۱. ۱. ۳. فرضیات تحقیق.....	۱۷
۱. ۱. ۴. ضرورت و اهداف تحقیق.....	۱۷
۱. ۱. ۵. پیشینه تحقیق.....	۱۷
۱. ۱. ۶. نتایج علمی و عملی تحقیق.....	۱۸
۱. ۲. مفاهیم.....	۱۸
۱. ۲. ۱. دلیل.....	۱۸
۱. ۲. ۱. ۱. معنای لغوی و اصطلاحی.....	۱۸
۱. ۲. ۱. ۱. ۱. معنای لغوی.....	۱۸
۱. ۲. ۱. ۱. ۲. معنای اصطلاحی.....	۱۹
۱. ۲. ۲. اهمیت دلیل.....	۲۴
۱. ۲. ۳. تحصیل دلیل.....	۲۷
۱. ۲. ۱. ۱. تحصیل دلیل در امور حقوقی.....	۲۷
۱. ۲. ۱. ۲. تحصیل دلیل در امور کیفری.....	۲۸
۱. ۲. ۴. اصل قانونی بودن دلیل.....	۳۲
۱. ۲. ۵. حصر یا عدم حصر تحصیل دلیل.....	۳۵
۱. ۲. ۵. ۱. نظر فقها.....	۳۵
۱. ۲. ۵. ۲. نظر حقوق دانان.....	۳۷
۱. ۳. اثبات.....	۳۹
۱. ۳. ۱. معنای لغوی و اصطلاحی.....	۳۹
۱. ۳. ۱. ۱. معنای لغوی.....	۳۹
۱. ۳. ۱. ۲. معنای اصطلاحی.....	۴۰
۱. ۳. ۲. اهمیت اثبات.....	۴۲
۱. ۳. ۳. مرحله ثبوت حق، مرحله اثبات حق.....	۴۴

.....	۴۷	۴. ۱. دعوا
.....	۴۷	۱. ۴. ۱. معنای لغوی و اصطلاحی
.....	۴۷	۱. ۴. ۱. ۱. معنای لغوی
.....	۴۷	۱. ۴. ۱. ۲. معنای اصطلاحی
.....	۴۹	۱. ۴. ۱. انواع دعوا
.....	۵۰	۵. ۱. راه‌های علمی
.....	۵۰	۱. ۵. ۱. تعریف راه‌های علمی
.....	۵۰	۱. ۵. ۲. اهمیت راه‌های علمی
.....	۵۳	فصل دوم: جایگاه ادله اثبات دعوا در فقه و حقوق اسلامی
.....	۵۴	۱. ۲. تعریف ادله اثبات دعوا
.....	۵۵	۲. ۲. عناصر ادله اثبات دعوا
.....	۵۵	۳. ۲. سلسله مراتب ادله در دادرسی
.....	۵۷	۴. ۲. سیر تحول ادله در ادوار تاریخ
.....	۵۸	۱. ۴. ۲. دوره اختیار تام رؤسای قبایل (اطلاق گرایی)
.....	۵۹	۲. ۴. ۲. دوره آزمایش الهی و قتال قضایی (دوئل)
.....	۶۰	۳. ۴. ۲. دوره دلایل قانونی
.....	۶۰	۴. ۴. ۲. دوره دلایل معنوی (اقناع وجدان قاضی)
.....	۶۱	۵. ۴. ۲. دوره دلایل علمی
.....	۶۲	۵. ۲. جایگاه ادله در فقه و حقوق اسلامی
.....	۶۲	۱. ۵. ۲. در فقه اسلامی
.....	۶۴	۲. ۵. ۲. در حقوق اسلامی
.....	۶۶	۶. ۲. نتیجه فصل
.....	۶۷	فصل سوم: گستره راه‌های علمی اثبات دعوا
.....	۶۹	۱. ۳. راه‌های علمی در دعاوی مدنی
.....	۷۰	۱. ۳. ۱. اثبات نسب
.....	۷۶	۱. ۳. ۱. ادله الکترونیکی
.....	۷۷	۱. ۳. ۱. ۲. معنای دلیل الکترونیکی
.....	۷۷	۲. ۳. ۱. ۲. تفاوت دلیل الکترونیکی و سنتی

۷۹.....	۳. ۱. ۲. ۳. مشکلات ارائه دلیلی الکترونیکی.....
۸۳.....	۳. ۱. ۲. ۴. ارزش اثباتی دلیلی الکترونیکی.....
۸۵.....	۳. راه‌های علمی در دعاوی کیفری (جزایی).....
۸۹.....	۳. ۲. ۱. زیست‌شناسی مولکولی (DNA).....
۹۰.....	۳. ۲. ۱. ۱. پیشینه.....
۹۰.....	۳. ۲. ۱. ۲. ساختار.....
۹۱.....	۳. ۲. ۱. ۳. اهمیت «دی ان ای» در دعاوی.....
۹۴.....	۳. ۲. ۲. اثر انگشت.....
۹۴.....	۳. ۲. ۲. ۱. تعریف اثر انگشت.....
۹۵.....	۳. ۲. ۲. ۲. پیشینه انگشت نگاری.....
۹۶.....	۳. ۲. ۲. ۳. کاربردهای انگشت نگاری.....
۹۷.....	۳. ۲. ۲. ۴. توانایی تشخیص هویت.....
۹۸.....	۳. ۲. ۳. خون.....
۹۸.....	۳. ۲. ۳. ۱. ساختار.....
۹۹.....	۳. ۲. ۳. ۲. اهمیت.....
۱۰۰.....	۳. ۲. ۴. موها.....
۱۰۰.....	۳. ۲. ۴. ۱. پیشینه.....
۱۰۱.....	۳. ۲. ۴. ۲. ساختار.....
۱۰۱.....	۳. ۲. ۴. ۳. اهمیت.....
۱۰۲.....	۳. ۲. ۵. لکه‌های منی و تراوش‌های مهبل.....
۱۰۲.....	۳. ۲. ۵. ۱. تعریف.....
۱۰۳.....	۳. ۲. ۵. ۲. اهمیت.....
۱۰۳.....	۳. ۲. ۶. بزاق دهان.....
۱۰۴.....	۳. ۲. ۷. ادرار و مدفوع.....
۱۰۵.....	۳. ۲. ۸. محتویات معده.....
۱۰۵.....	۳. ۲. ۹. مصرف الکل و مواد مخدر.....
۱۰۶.....	۳. ۲. ۱۰. آثار تیراندازی.....
۱۰۶.....	۳. ۲. ۱۱. چهره نگاری.....

- ۱۰۸.....خط شناسی.....۳.۲.۱۲
- ۱۰۹.....دستگاه ضبط صوت.....۳.۲.۱۳
- ۱۱۱.....۳.۳. مشاهدات دادرسی.....**
- ۱۱۱.....۳.۳.۳. معاینه و تحقیق محلی.....
- ۱۱۲.....۳.۳.۱.۱. مفهوم معاینه محل و تحقیق محلی.....
- ۱۱۳.....۳.۳.۱.۱.۱. معاینه محل.....
- ۱۱۴.....۳.۳.۱.۱.۲. تحقیق محلی.....
- ۱۱۵.....۳.۳.۱.۲. اهمیت معاینه محل و تحقیق محلی.....
- ۱۱۷.....۳.۳.۱.۳. اعتبار علمی معاینه محل و تحقیق محلی.....
- ۱۲۱.....۳.۳.۳. کارشناسی.....
- ۱۲۳.....۳.۳.۲.۱. مفهوم کارشناسی.....
- ۱۲۳.....الف) معنی لغوی.....
- ۱۲۳.....ب) معنی اصطلاحی.....
- ۱۲۴.....۳.۳.۲.۲. کارشناسی از منظر فقه.....
- ۱۲۶.....۳.۳.۲.۳. کارشناسی از منظر حقوق.....
- ۱۲۸.....۳.۳.۲.۴. جلب نظر کارشناس.....
- ۱۲۹.....۳.۳.۲.۵. اعتبار نظر کارشناس.....
- ۱۳۲.....۳.۴. نتیجه گیری فصل.....**
- ۱۱۲.....فصل چهارم: ارزش و توان اثباتی راه های علمی در فقه و حقوق اسلامی.....**
- ۱۳۵.....۴.۱. راه های علمی در زمره علم عادی یا یقینی.....**
- ۱۳۵.....۴.۱.۱. معنای لغوی و اصطلاحی علم.....
- ۱۳۵.....۴.۱.۱.۱. معنای لغوی.....
- ۱۳۶.....۴.۱.۱.۲. معنای اصطلاحی.....
- ۱۴۲.....۴.۲. راه های علمی در زمره امارات (قانونی - قضایی).....**
- ۱۴۲.....۴.۲.۱. مفهوم اماره (قرائن).....
- ۱۴۴.....۴.۲.۲. اهمیت اماره.....
- ۱۴۵.....۴.۲.۳. اقسام اماره.....
- ۱۴۵.....۴.۲.۳.۱. اماره قانونی.....

۱۴۶	۲. ۳. ۲. ۴. اماره قضایی
۱۵۱	۳. ۴. علم قاضی و راه‌های علمی
۱۵۱	۱. ۳. ۴. مفهوم علم قاضی
۱۵۲	۲. ۳. ۴. اعتبار علم قاضی از منظر فقه اسلام
۱۵۵	۳. ۳. ۴. اعتبار علم قاضی از منظر حقوق اسلام
۱۶۲	۴. ۴. ارزش اثباتی راه‌های علمی در فقه و حقوق اسلامی
۱۶۳	۱. ۴. ۴. ارزش اثباتی راه‌های علمی
۱۶۳	۱. ۱. ۴. ۴. از منظر فقه
۱۶۴	۱. ۱. ۴. ۴. قرآن
۱۷۰	۲. ۱. ۴. ۴. سنت
۱۷۴	۳. ۱. ۴. ۴. دلیل عقلی
۱۷۵	۲. ۱. ۴. ۴. از منظر حقوق
۱۷۵	۱. ۲. ۴. ۴. مقررات
۱۷۷	۲. ۲. ۴. ۴. ارزش اثباتی راه‌های علمی در راستای اماره
۱۸۰	۵. ۴. نتیجه فصل
۱۸۱	فصل پنجم: نتایج و پیشنهادها
۱۸۲	۱. ۵. نتایج
۱۸۳	۲. ۵. پیشنهادها
۱۸۴	نشانه‌های اختصاری
۱۸۵	فهرست منابع
۱۸۵	منابع فارسی
۱۹۰	کتاب عربی
۱۹۳	پایان نامه‌ها
۱۹۳	مقالات
۱۹۴	سایت‌ها

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند. منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

مقدمه

یکی از موضوعات مهم در امر قضاوت و دادرسی، ادله اثبات دعوا است. زیرا این ادله در سرنوشت انسان‌ها و مصالح و حقوق شخصی آنها نقش اساسی و مهمی ایفا می‌کند و در جوامع اسلامی، از جمله ایران، که مبانی تدوین حقوق براساس قواعد فقهی و اسلامی پایه‌گذاری شده تأمین منابع و حفظ مصالح افراد، از هدف‌های اساسی حقوق اسلامی است و در امر قضاوت و دادرسی بسیار مورد توجه و حائز اهمیت است تا هیچ مجرمی از ساحت عدالت نگریزد و هیچ بی‌گناهی به ناحق گرفتار عقاب نگردد.

در واقع هدف قانون‌گذار از تصویب قانون و پیش‌بینی مجازات‌ها و برخورد با مجرمین حمایت از ارزش‌های مورد قبول جامعه و نیز حفظ نظم و امنیت در آن است تا در گرو آن مردم و جامعه به امور خود پرداخته و در همه جوانب مادی و معنوی به سوی پیشرفت و تکامل سیر کنند.

با توجه به این حقیقت که امروزه، علم بر پایه فرضیه‌ها و استقرای ظن‌ها و احتمال‌ها استوار است و هیچ نتیجه‌ای، قطعی و یقینی و تمام شده نیست، روشن است که مقتضای عدالت، به رسمیت شناختن ادله علمی است و حقوقدانان نیز ناگزیرند اعتبار را با واقعیت همگام سازند و در پی آن به تجدید نظر در ادله اثبات سنتی بپردازند. در نتیجه، استقرا و تجربه و ظن معتبر را باید به‌عنوان دلیل پذیرفت؛ دلیلی که تغییرپذیر است و درجه‌ای از احتمال را هم دارد؛ زیرا علم حقوق، همچون سایر دانش‌های بشری در حال تغییر و تحول و تکامل بوده و مسایل آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا نیز همواره راه تغییر و تکامل را پیموده است به نحوی که اساتید این فن را در به‌کارگیری از دستاوردهای علوم و فناوری، همچون آزمایش «دی ان ای» در فرایند جرم‌یابی، اثبات جرم و رسیدگی‌های کیفری مجاب کرده است و این درحالی است که به‌کارگیری آنها می‌تواند قاضی را به علم رسانده و وجدان وی را نسبت به صدور حکم مقتضی، اقناع کند؛ و همچنین می‌تواند متهم را

به اقرار وادارد و در جرایم علیه تمامیت جسمانی در صورت فقدان ادله دیگر زمینه تحقق لوث و اجرای قسامه را محو کند. به این سبب است که امروزه در نظام‌های مختلف حقوقی و همچنین در کشورهای اسلامی، از جمله در ایران این مسئله مورد توجه واقع شده است.

در همین راستا برخی آیات قرآنی و روایات اسلامی و سیره قضایی معصومین (علیهم‌السلام) را که مرتبط با این مسئله است در کنار مواد قانونی بیان شده در متن حقوق اسلامی، مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ زیرا وظیفه اصلی دادگاه حقوقی، رسیدگی به دلایل اصحاب دعوا بوده و در تصمیمات دادگاه عنصر دلیل نقشی محوری ایفا می‌نماید. از نظر دادگاه، حق، بدون دلیل اثبات، هیچ حقی محرز نشده و مورد حمایت قرار نخواهد گرفت.

در عصر حاضر، با پیدایش شیوه‌های جدید کشف حقیقت، بازخوانی ادله شرعی اثبات جرم به منظور امکان تعمیم ادله موصوف و بهره‌گیری از ادله جدید ضرورت پیدا کرده است. این، بدان معنا نیست که ما براساس آن بخواهیم قدرت اثباتی ادله سنتی و قدیمی را که از گذشته تاکنون حضور داشته‌اند رد یا انکار نماییم؛ بلکه هدف این است که در کنار ادله سنتی، نظام ادله و تجربیات جدید علمی در همه طرق و جهات، مبنای راه‌های اثبات امور کیفری و مدنی مد نظر قرار گیرد تا به کمک آنها بتوانیم مجرمان را به دقت شناسایی کرده و در نتیجه بزهکاری‌ها را در جامعه کاهش دهیم. شیوه‌های علمی به ویژه ادله زیست فناوری و ژنتیکی از لحاظ اقناع بخشی دارای جایگاه ویژه‌ای هستند؛ چرا که این شیوه‌ها دستیابی به حقیقت و کاهش اشتباهات قضا را تا حد بسیار بالایی تضمین می‌کنند. مراجعه به آمار و ارقام در سیستم قضایی در عصر حاضر نشان می‌دهد که این سیستم توانسته است بسیاری از محکومین به اعدام یا حبس ابد را با توسل به شیوه‌های علمی و آزمایش‌های زیستی و ژنتیکی تبرئه کند. بنابراین ضرورت ایجاد می‌نماید که ارزش و توان اثباتی راه‌های علمی مورد ارزیابی قرار گیرد تا بتوان جایگاه

آنها در اقتناع وجدان قاضی را که متصدی امر قضاوت و صدور رأی است مشخص کرد. در عین حال باید دید که آیا ادله اثبات دعوا در حقوق اسلامی منحصر به ادله سنتی است یا هر راهی را که موجب اقتناع وجدان قاضی شود، شامل می‌شود. در این تحقیق سعی شده این راه‌ها بیان و ارزش اثباتی آنها از جهت علم آوری برای قاضی در جهت سکون نفس ایشان در پذیرش و یا رفع اتهام در دعاوی، مورد بررسی قرار گیرد.

مجموعه حاضر شامل پنج فصل است که عبارتند از:

فصل اول: کلیات و مفاهیم

فصل دوم: جایگاه ادله اثبات دعوا در فقه و حقوق اسلامی

فصل سوم: گستره راه‌های علمی اثبات دعوا

فصل چهارم: رویکرد فقه و حقوق اسلامی به ارزش اثباتی راه‌های علمی

فصل پنجم: نتایج و پیشنهادها

۱ فصل



کلیات و مفاهیم

۱.۱. کلیات

۱.۱.۱. بیان مسئله تحقیق

با توجه به پیشرفت علم و فناوری، از جمله پیشرفت‌های علم پزشکی در علم جرم‌شناسی نوین و به‌طور کلی در بحث ادله‌ای که توان اثبات دعوا را دارند، موضوعاتی مطرح شده است که می‌تواند دلیل ادعای مدعی و اتهام متهم را ثابت نماید. در حقوق کشورهای پیشرفته در حال حاضر این ابزارها و ادله نوین شناسایی و مورد استفاده قرار گرفته و بعضاً از توان اثباتی بالا برخوردار و دارای اعتبار زیادی در دادگاه‌ها می‌باشند. تحقیق حاضر در پی بررسی ملاک‌ها و معیارهای ادله اثبات دعوا در فقه و حقوق موضوعه ایران است و کوشش دارد از این طریق قابلیت استفاده اعتبار این ادله را در فقه و حقوق موضوعه ایران بررسی نماید. در این خصوص، دو دیدگاه عمده بین فقها و حقوقدانان وجود دارد: عده‌ای به حصری بودن ادله در فقه و حقوق موضوعه اعتقاد دارند و این ابزارهای اثباتی را صرفاً از باب قرائن و امارات می‌پذیرند، اما عده دیگر معتقدند هر اماره‌ای که بتواند ادعا را اثبات کند می‌تواند به عنوان دلیل در مراجع مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین، این ابزارهای نوین را به منظور استفاده در دادگاه به عنوان دلیل اثبات می‌پذیرند.

۱.۱.۲. سؤالات تحقیق

الف) آیا محدوده ادله سنتی اثبات دعوا در فقه و حقوق اسلامی انحصاری است و این ادله می‌توانند با توجه به پیشرفت‌های جامعه پاسخگوی حل مسایل حقوقی و جنایی امروز باشند؟

ب) آیا راه‌های علمی در دادگاه‌ها توان اثباتی دارند و یا تنها به عنوان قرائن و نه دلیل برای اثبات دعوا محسوب می‌شوند؟

۳. ۱. ۱. فرضیات تحقیق

الف) ادله اثبات دعوا انحصاری نیست و دادگاه‌ها می‌توانند از راه‌های علمی در اثبات دعاوی حقوقی و کیفری استفاده کنند.
ب) راه‌های علمی اماره قضایی توان اثباتی دارند.

۴. ۱. ۱. ضرورت و اهداف تحقیق

در محاکم و دادگاه‌ها موارد فراوانی دیده می‌شوند که صرف استناد به ادله اثبات سنتی نمی‌تواند حقیقت مورد نزاع طرفین را کشف کند بنابراین باید با استفاده از راه‌های علمی راه را برای صدور رأی تسهیل نمود و هدف این کتاب در مسیر حل این مشکل است.

۵. ۱. ۱. پیشینه تحقیق

در مورد ادله اثبات دعوا تاکنون تحقیقات پراکنده‌ای صورت گرفته است اما تحقیقی که به طور منقح، منسجم و نظام‌مند از نظر فقهی و حقوقی به بررسی این موضوع همت گمارده باشد وجود ندارد و از این نظر احساس خلأ می‌شود؛ مخصوصاً از جنبه بررسی راه‌های علمی و نوین از جمله کتبی که در این زمینه بررسی‌هایی انجام داده‌اند می‌توان به: الفقه الاسلامی از دکتر وهبه الزحیلی، التشریح الجنایی الاسلامی از استاد عبدالقادر عوده، نگرشی نو به مسائل جزایی از آیت الله مرعشی نجفی، ادله اثبات دعوا (حقوق ماهوی و شکلی) دکتر شمس، ادله اثبات دعوا دکتر مدنی، اثبات و دلیل اثبات از دکتر کاتوزیان، کارشناسی به عنوان دلیل اثبات دعوا از نرگس دباغی و پذیرش سند در دادگاه دکتر موفقی اشاره کرد. در میان پایان‌نامه‌ها می‌توان به نقش دادگاه در تحصیل دلیل و کشف حقیقت از مجید پوراستاد، رویکرد فقه جزایی اسلام نسبت به راه‌های علمی اثبات جرم از قدیر بصیرپوربیرق، شهادت در حقوق جزای ایران

از حسین یوسف زاده، طریقت یا موضوعیت ادله و وسایل اثبات دعوا
 در امور حقوقی از مهدی قره داغی و اعتبار نظریه کارشناسی در امور
 کیفری از منصور کرمی نام برد.

۱.۱.۶. نتایج علمی و عملی تحقیق

با توجه به پیشرفت علم و فناوری از جمله پیشرفت‌های علم پزشکی راه‌هایی از جمله آزمایش‌های «دی ان ای»، خون، اثر انگشت و سایر موارد وجود دارد که چنانچه آنها را به عنوان ادله‌ی اثبات دعوا بپذیریم نتیجه‌ی تحقیق کاربردی بوده و بر روند رسیدگی دادگاه‌ها تأثیرگذار خواهد بود.

۱.۲. مفاهیم

در این فصل به تبیین مفاهیمی که مبنای موضوع مورد بحث است، خواهیم پرداخت.

۱.۲.۱. دلیل

با توجه به این که دلیل پایه و اساس اثبات حقوق افراد است، در نتیجه برای آنکه بتوان تحلیلی دقیق و مدون از طرقي که با این عنوان در فقه و حقوق برای بازگرداندن منزلت و منافع فردی و اجتماعی و مهم‌تر از همه حقوق شخصی افراد آمده و به کار گرفته می‌شود داشته باشیم، لازم است ابتدا تعریفی از این واژه و سپس اهمیت این عنصر و نحوه‌ی تحصیل آن و اینکه اصل در دلیل چیست، در جهت تبیین آن بیان کنیم.

۱.۲.۱.۱. معنای لغوی و اصطلاحی

۱.۲.۱.۱.۱. معنای لغوی

دلیل در لغت به معنای راهنما، رهبر، رهنمون، راهبر، راه‌نماینده، مرشد و نیز به معنی حجت و برهان و آنچه برای ثابت کردن امری بیاورند تعبیر شده

است و جمع دلیل از ریشه «دلّ» به معنای برهان است و آن چیزی که راهیابی به حق یک مطلب بر آن مبتنی است.^۱ و آن چنان چیزی است که بدان استدلال می‌شود و به واسطه آن هدایت صورت می‌گیرد.^۲ دلیل، واژه‌ای عربی است که از مصدر «دلالت» و فعل ثلاثی مجرد «دلّ يدلّ دلالة» مشتق شده و بروزن «فعلیل» و به معنای فاعل است. جمع مکسر دلیل، در کتب عربی «دلّه و أدلاء» آمده است. اگرچه در زبان نوشتاری و گفتاری از واژه «دلایل» نیز برای جمع بستن دلیل استفاده می‌گردد درحالی‌که این واژه جمع کلمه «دلالة» است.^۳ پس هر چیز معلوم که اندیشه را به مجهولی رهبری کند، دلیل است.^۴

پیرس آنچه ندانی، که ذلّ پرسیدن
دلیلِ راه تو باشد، به عزّ دانایی
سعدی

۱.۱.۱.۲. ۱. معنای اصطلاحی

معنای اصطلاحی دلیل از معنای لغوی آن چندان دور نیافتاده است.^۵ جایگاه اصلی بحث دلیل، علم منطق است. طبق نظر علمای منطق، دلیل عبارت است از شی‌ای که از وجود آن پی به وجود شی‌ای دیگر می‌بریم.^۶ به عنوان مثال وقتی صدای پایی را می‌شنویم و متوجه نزدیک شدن فردی می‌شویم، می‌گوئیم «صدای پا» بر وجود کسی که نزدیک می‌شود «دلالت

۱. «الموصل إلى الشيء»: طاهری، محمد علی، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، محراب فکر، ۱۳۸۴ ش، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۴۶؛ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۲ ش، ذیل واژه دلیل ج ۷؛ عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، نشر امیرکبیر، بی تا، ذیل واژه دلیل؛ المقرئ الفیومی، أحمد بن محمد بن علی، قاموس المصباح المنیر، بیروت، دارالفکر، ص ۱۰۷.

۲. «دلیل مایستدل به و مایقوم به الإرشاد»: مصطفی ابراهیم و دیگران، معجم الوسیط، تهران، مؤسسه الصادق، ۱۴۲۹ ق، چاپ ۲، ذیل واژه دلیل؛ معلوف، لویس، المنجد، بیروت، دارالمشرق، بی تا، ذیل واژه «دلّ».

۳. المنجد، همان.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، تهران، ابن‌سینا.

۵. گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوا، تهران، میزان، ۱۳۸۶ ش، چاپ ۳، ص ۲۲۹.

۶. ر.ک دکتر خوانساری، محمد، دوره مختصر منطق صوری، تهران، نشر دانشگاه، چاپ ۱۱، ص ۳۳.

می‌کند»^۱ در تعریف فقهی بیشتر به معنای لغوی آن تأکید شده است.^۲ در واقع هر آنچه خاصیت راهنمایی داشته باشد از نظر فقها دلیل است.^۳ دلیل در علم اصول راهنمایی است که با نظر درست انسان را به طور قطعی یا ضمنی به حکم شرعی عملی می‌رساند.^۴ اما در حقوق به هر نوع وسیله اثبات یا موضوع تصدیقی می‌گویند که به صورت قانونی در دعوایی که نزد یکی از مراجع قضایی مطرح است به کار می‌رود تا با اقدام طرفین دعوا و به وسیله شهود، مدارک، اسناد اعیان خارجی و غیره در ذهن قاضی نسبت به آنچه استنباط می‌کند، ایجاد باور و اعتقاد نماید. هرچند در قانون مدنی تعریفی از دلیل نیامده، اما وفق ماده ۳۵۳ ق.آ.د.م ۱۳۱۸ و ماده ۱۹۴ آ.د.م ۱۳۷۹: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند».

این تعریف از این نظر که ادله قابل استناد توسط قاضی را پوشش نمی‌دهد، قابل ایراد است.^۵ دکتر کاتوزیان می‌گوید که این تعریف، ماهیت دلیل و نقش اساسی آن را روشن نمی‌کند و از هدف آن که رسیدن و رهبری عقل به واقع است سخنی نمی‌گوید.^۶ زیرا عامل اثبات حقیقت امری که مورد ادعای یکی از اصحاب دعوا وانکار دیگری باشد، دلیل است. قانون مدنی با اینکه یک جلد را به شرح ادله اثبات دعوا اختصاص داده تعریفی از دلیل نکرده است.^۷ در

۱. ازهای، محمدعلی، مبانی منطق، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۲، ش. چاپ ۱، ص ۲۶.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، تهران، نشر ابن سینا، ۱۳۵۳، ش. ص ۱۵۳.

۳. طاهری، محمد علی، پیشین، ص ۱۴۶.

۴. همان.

۵. برای توضیح بیشتر پیرامون این ایراد ر.ک. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، پیشین، ص

۲۷۰؛ بهرامی، محمد، بایسته‌های ادله اثبات، تهران، نشر نگاه بینه، ۱۳۹۱، ش. چاپ ۳، ص ۱۵.

۶. کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰، ش. ج ۱، ص ۱۶.

۷. مدنی، سید جلال الدین، ادله اثبات دعوا، تهران، نشر پایدار، ۱۳۷۹، ش. چاپ ۵، ص ۱۴؛ کریمی، عباس، ادله

اثبات دعوا، تهران، نشر دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰، ش. چاپ ۱، ص ۴.

۴. ماده ۹۵ ق.آ.د.م. دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا تعهدات یا قراردادهای اقامه می‌شود، تابع قوانینی است که در موقع انعقاد آنها مجری بوده‌است، مگر این که دلایل مذکور از ادله شرعی‌ای باشد که مجری نبوده

کتب حقوقی بیشترین توجه، روی تعریف قانونی و فقهی آن متمرکز شده است.

گاهی کلمهٔ طریق و دلیل را به جای یکدیگر استعمال می‌کنند. در نتیجه معلوم می‌شود که این دو لفظ مترادفند. در قانون مجازات اسلامی، بیشتر از کلمهٔ طریق استفاده شده است. مثلاً گفته شده است: طرق اثبات قتل، یا علم قاضی است یا بینه یا اقرار است و یا قسامه. در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی لفظ دلیل بیشتر به کار رفته است؛ مثلاً گفته‌اند دلیل اثبات دعوا. بنابراین دلیل یا طریق چیزی است که طرفین دعوا به آن استناد یا استدلال می‌کنند. جمع دلیل، ادله است، اما مشاهده شده است قانون‌گذار چه در قانون مدنی و چه در قانون آیین دادرسی مدنی به جای ادله که جمع دلیل است، کلمهٔ دلایل را به کار برده است، به عنوان مثال، ماده ۱۹۵ و ۱۹۶ قانون آ.د.م و ماده ۱۲۵۸ ق.م.ا این مواد با کلمهٔ دلایل شروع می‌شود و حال آنکه کلمهٔ دلایل، جمع دلالت است، دلالت مصدر است و گاهی اسم مصدر است. دلالت، حالت دلیل و هم حیثیت دلیل است، یعنی چیزی است که علم به آن، موجب علم به چیز دیگری می‌شود.

در علم حقوق: دلیل در دو مفهوم به کار گرفته می‌شود. نخست در مفهوم اخص که به هر وسیله‌ای گفته می‌شود که در قانون پیش‌بینی شده و در مرجع قضاوتی سبب افتاح وجدان دادرس به واقعیت امر مورد ادعا شود. به موجب ماده ۱۹۴ ق.آ.د.م: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند». در همین مفهوم برای مثال «گواهی» دلیل شمرده می‌شود. دوم در مفهوم اعم، که به عمل فراهم آوردن وسایلی

و یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد.

ماده ۱۹۶ ق.آ.د.م: دلایلی که برای اثبات وقایع خارجی از قبیل ضمان قهری، نسب و غیره اقامه می‌شود، تابع قانونی است که در موقع طرح دعوا مجری است.

ماده ۱۲۵۸ ق.م.ا: دلالت اثبات دعوی از قرار ذیل است: ۱- اقرار- ۲- اسناد کتبی- ۳- شهادت- ۴- امارات- ۵- قسم.

۱. شکاری، روشنفکر، ادله اثبات دعوا، تهران، نسل نیکان، ۱۳۸۱ ش. ص ۱۲.

که وجدان دادرس را نسبت به واقعیت امر مورد ادعا اقناع می‌نماید و به عهده مدعی (ادعا کننده) است چه خواهان یا خوانده باشد، گفته می‌شود. یعنی نمایاندن و تشخیص واقعیت امر ادعا شده مورد نظر که دارای پیامدهای حقوقی است.^۱ این در حالی است که در لسان شرع، به جای دلیل به معنای اخص، واژه‌های بینه و آیمان آمده است. بینه، مؤنث بین و در لغت به معنای دلیل روشن و آشکار و برهان واضح است و آیمان، جمع یمین به معنای سوگند است.^۲ این عنصر در امور جزائی، دارای اهمیت زیادی است. زیرا، قانوناً متهم زمانی، به ارتکاب جرم محکوم می‌شود که تمامی ارکان جرم قابل انتساب به او، جمع‌آوری شده باشد. بنابراین بار دلیل در امور جزائی به عهده مرجع قضایی است؛ زیرا او مکلف است به وقوع جرم استناد نماید، در صورتی که در امور مدنی ارائه دلیل به عهده شخصی است که وقوع امری را مورد استناد قرار می‌دهد. اما به علت حمایت از حقوق شخص تحت تعقیب (متهم) بار دلیل در حقوق جزا سنگین‌تر از بار دلیل در حقوق مدنی است. در حقوق جزایی، ابزار دلیل، متعددتر، متنوع‌تر از انواع آن در حقوق خصوصی است و لذا در حقوق جزا، اصل آزادی دلایل حاکم است و قاضی در تعیین ارزش اثباتی ارکان دلیل و رسیدن به علم و اعتقاد باطنی حاکمی از ارتکاب جرم توسط متهم آزاد است. در امور کیفری، دلیل مجموعه قواعد قابل اجرا برای احراز یک جرم در ارتباط با وقایع بیرونی و یا رفتار شخص مورد تعقیب است.^۳ با اوصافی که بیان شد می‌توان گفت دلیل در حقوق دارای دو کارکرد است:

نخست آنکه گاه دلیل، پیش از وقوع اختلاف و طرح دعوا و به عنوان حافظ و نگهدار حق مورد توجه است که به آن «دلیل تمهید شده» نیز گفته‌اند،^۴

۱. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۵، چاپ ۶، ج ۳، ص ۸۲ - ۸۱.

۲. گلدوزیان، ایرج، پیشین.

۳. همان، ص ۱۸.

۴. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۴۲.

مانند سند قرارداد که با تراضی طرفین تنظیم می‌شود تا در زمان وقوع اختلاف، مستند قرار گیرد. دوم آنکه گاه دلیل در جریان دادرسی برای اثبات و یا دفاع از دعوا، به منظور افتاح وجدان دادرس و یا ایجاد اعتقاد به وصول حقیقت مورد استفاده قرار می‌گیرد که آن را «دلیل عارضی» نامیده‌اند؛ مانند تحقیق از گواهان شاهد تصادف یا مرگ.^۱ اثر این تفکیک آن است که اعتبار نفوذ سند تمهید شده، تابع قانون زمان انعقاد آن است اما دلیلی که در جریان دعوا مستند قرار می‌گیرد، تابع قانون حاکم در جریان دادرسی است. از طرفی از آنجا که دلیل تمهید شده موجب ثبوت حق است، جایگاه بررسی آن در حقوق مدنی است اما هرگاه دلیل در مرحله دادرسی قرار گیرد، در آیین دادرسی مدنی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.^۲ در ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است: «دلیل عبارت است از امری که اصحاب دعوا برای اثبات دعوا یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند». این تعریف ناظر به دعوا و قابل استفاده در آیین دادرسی مدنی است.^۳ برخی معتقدند دلیل عبارت از هر نوع وسیله‌ای است که وجود یا عدم چیزی و یا صحت و یا سقم ادعایی را ثابت نماید.^۴ از این رو ادله حصری نیستند و به این جهت قانون آیین دادرسی کیفری به ذکر مصادیقی از آنها پرداخته است نه همه آنها. سپس دلیل در مفهوم عام، هر چیزی است که ما را به کشف مجهول کمک می‌کند. اما دلیل در اصطلاح عرف، به چیزی اطلاق می‌شود که امر مجهولی را اثبات نماید. با توجه به تعریف ماده ۱۹۴ ق.آ.د.م، دلیل در لسان قانون معنی محدودی دارد و امری است که کاربرد آن در دادگاه است و زمان ظهور و تجلی آن زمان طرح دعوا و دفاع است. در یک معنی وسیع، دلیل حافظ

۱. همان، ص ۲.

۲. مدنی، سید جلال الدین، پیشین، ص ۲۰ و ۲۲.

۳. جندی، عبدالملک، الموسوعة الجنائیه، لبنان، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۷۶ م، همان، ج ۱، ص ۱۰۷ - ۱۰۶.

۴. آشوری، محمد، جزوه آیین دادرسی کیفری (۲)، سال تحصیلی ۷۴ - ۷۳.

و نگهدارندهٔ حق شناخته می‌شود، اعم از اینکه دعوائی مطرح و از دلیل استمداد شود یا نشود.^۱

با وجود همهٔ آنچه که بیان شد می‌توان گفت که دربارهٔ تعریف دلیل در علم حقوق اتفاق نظر وجود ندارد و کارشناسان این فن هریک تعریف خاص خودشان را از این واژه ارائه داده‌اند و برخی تعاریف دیگران را نیز مورد نقد قرار داده‌اند. ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی و فصل دهم قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، دلایل را از قرار زیر می‌داند: «اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات، سوگند، معاینه محل، تحقیق محلی، کارشناسی». بنابراین، اگرچه ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به صورت مطلق هر امری را که در دادرسی مستند طرفین قرار گیرد، مشمول عنوان دلیل و قابل استناد می‌داند اما با توجه به آنکه نظام ارزیابی دلیل در حقوق ما نظام قانونی است و ادله در قانون احصا شده‌اند، برای آنکه دلیل مثبت دعوا باشد، باید مشمول یکی از انواع ادله مذکور در قانون باشد و طرفین نمی‌توانند هر امری را که خارج از قالب ادله مذکور است به عنوان دلیل در دادگاه مورد استناد قرار دهند.^۲

۲.۱. اهمیت دلیل

قواعد و مقرراتی که حقوق و تعهدات اشخاص و حدود آن را تعیین می‌کنند (حقوق تعیین‌کننده) در صورتی می‌توانند مؤثر باشند که اجرای آنها تضمین شود. مقررات دادرسی مدنی به مفهوم اعم (حقوق تضمین‌کننده) با پیش‌بینی مراجع قضאותی و حق مراجعه به آنها و مکلف نمودن این مراجع به رسیدگی و صدور رأی و اجرای آن، وسایل اجرای حقوق و تعهدات مزبور را در هر جا که مورد مناقشه قرار گیرند تضمین می‌نماید. بنابراین شخصی

۱. مدنی، سید جلال‌الدین، پیشین، ص ۱۴ و ۱۵.

۲. همان ص ۲۲ - ۲۰.

که ادعا می‌نماید حق او تضییع یا انکار شده، می‌تواند رأیی که صادر و اجرا می‌شود، طرف مقابل به ادای حق مزبور و شناسایی آن گردن نهد. پس در عمل دارا بودن حق در صورتی سودمند است که هرگاه تضییع یا انکار شود دارنده حق بتواند این امور را اثبات نماید. اثبات هرامری در مراجع قضاوتی به مفهوم نمایاندن آن به کمک دلیل است؛ بنابراین حقی که ادعا شود اما ادعا ثابت نشود، در حقوق مانند حقی است که در واقع وجود ندارد. در نتیجه اهمیت دلیل تا آنجا است که هرینگ گفته است: «دلیل ارزش حق است»، یعنی حق بدون دلیل کالای بی ارزش است. اگر حق همراه با دلیل نباشد و به اثبات نرسد، اجرای آن منوط به میل بدهکار می‌شود و نمی‌توان از نیروی دولت در این راه یاری خواست. چه بسا حقوقی که به دلیل بی‌تجربگی یا حسن نیت صاحب آن از بین می‌رود و چه بسیارند کسانی که چون وسیله اثبات حق خود را ندارند، یا از دادخواهی منصرف می‌شوند یا دعوا را می‌بازند و به جبران خسارت متجاوز نیز محکوم می‌شوند.

درستکارترین، محترم‌ترین، یا با آبرو و با حیثیت‌ترین مردم ممکن است روزی بی‌گناه قربانی تصمیمات مبتنی بر احساسات ولی بدون دلیل تصمیمات قضایی گردد. نباید گمان کرد که کسی در لوای حسن شهرت، مقام و موقعیت‌های شغلی و داشتن ارتباطات مهم، همیشه مصون از تعقیب و محاکمه است.^۱ به همین جهت است که پاره‌ای از واقع‌گرایان حق ثابت نشدنی را حق واقعی نمی‌دانند.^۲ نسبت به اهمیت دلیل و درستی توصیفات مزبور باید به این نکته مهم و اساسی توجه داشت که دلیل در صورتی این اندازه اهمیت پیدا می‌نماید و در خور توصیفات مزبور است که حقی تضییع یا انکار شود و اثبات وجود و تضییع یا انکار آن در مرجع قضاوتی لازم شود؛ زیرا تا زمانی که حقی به میل و اراده من علیه الحق اجرا می‌شود، چون

۱. گلدوزیان، ایرج، پیشین، ص ۳۸۴.

۲. کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، پیشین، ص ۶۱.

مراجعه به مراجع صالح و... منتفی است، دلیل نیز اهمیت مزبور را از دست می‌دهد. قید نکته مزبور از آنجا مهم و اساسی است که حتی در کشورهای که به نسبت، احترام به قانون کمتر است در اکثر قریب به اتفاق موارد، حقوق اشخاص رعایت می‌شود و در موارد استثنایی است که حق، تضییع یا انکار و بنابراین مراجعه به مراجع صالح و تدارک، تهیته و ارائه‌ی دلیل لازم می‌شود و دادرسی از روی ادله موجود در پرونده حکم می‌کند و اعتبار حکم او در ارتباط با ارائه مذکور معین می‌شود و حکم قاضی حقیقت مطلق نیست.^۱ اما در عین حال در این موارد نیز دلیل اهمیت بنیادین پیدا نموده و در خور توصیفات مزبور می‌شود.^۲ اهمیت دیگر این ادله از این جهت است که محدود و محصور است و صرفاً از راه و روش معینی می‌توان برای اثبات از آنها بهره گرفت، به علاوه هرگاه بین ادله تعارض حاصل شود، تشخیص رجحان و برتری ادله نیز دارای ارزش اثباتی و از اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود. سیرتطور و اندیشه‌ها و نظریه پردازی‌های فراوان در خصوص ادله و بسط‌های نظری و عملی در این خصوص از جهات دیگر اهمیت و توجه ادله اثبات است.^۳ قانون مدنی، جلد سوم را به «ادله اثبات دعوا» اختصاص داده (مواد ۱۲۵۷ به بعد) و قانون آیین دادرسی مدنی در ذیل ماده ۱۹۴ به تعریف آن پرداخته است. اما در امور جزایی، دلایل به عنوان وسایلی که قانوناً بتوانند وجود یا عدم یک واقعه و صحت و سقم یک موضوع را تأیید کنند، از مهم‌ترین مسائل آیین دادرسی کیفری است. در واقع هیچ‌گاه بدون دلیل نمی‌توان یک واقعه جنایی را اثبات و یا به شخصی منتسب کرد. اگرچه در پی دریافت داده‌های جرم‌شناسانه و نوین حقوق جزا، درمان مجرمین و بازسازی کردن آنها غایت کیفرها و اقدامات تأمینی و تربیتی قرار گرفت و دستگاه عدالت کیفری نه

۱. صدرزاده افشار، سید محسن، ادله اثبات دعوا در حقوق ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶ ش.

چاپ ۳، ص ۹.

۲. شمس، عبدالله، پیشین، ص ۸۳.

۳. بهرامی، محمد، پیشین، ص ۲۲.

به قصد انتقام، ارباب و... بلکه به جهت اصلاح، اقداماتی را بر مجرم تحمیل می‌کند ولی به هرحال انتساب واقعۀ کیفری به شخص متهم ضروری است، چه شاید بخواهد به حکم صادره معترض شود. در این رهگذر دلیل به عنوان مثبت جرم و منتسب آن به مجرم نقش بسزایی دارد.^۱ دلیل، عنصر اثبات است که در قالب وقایع یا اشیاء یا غیر اینها تجلّی پیدا می‌کند و اجرای اثبات به کشف آنها منتهی می‌شود و جرم از طریق دلیل، احراز می‌شود.^۲ در واقع هیچگاه بدون داشتن دلیل نمی‌توان یک رخداد را اثبات و یا به شخصی منتسب کرد.

۱.۲.۳. تحصیل دلیل

به معنای به‌دست آوردن و ساختن دلیل است که در این رابطه باید بین امور حقوقی و کیفری قائل به تفکیک شد. بنابراین باید بررسی گردد که تحصیل دلیل در امور حقوقی و کیفری به چه معنا است.

۱.۲.۱.۱. تحصیل دلیل در امور حقوقی

در این رابطه گفته می‌شود که اقامۀ دلیل از طرف دادرس دادگاه به نفع یکی از طرفین، سوای دلیلی که خود آن‌ها اقامه کرده‌اند در خارج از حدود تکالیف قانونی راجع به رسیدگی است و دادرس باید فقط به دلایلی که اصحاب دعوا به آن‌ها استناد می‌کنند رسیدگی کند و ارزش آنها را بررسی نماید؛ مگر اینکه قانون راساً به او اختیار بدهد که به دلیلی استناد کند که اصحاب دعوا به آن استناد نکرده باشند، مانند معاینۀ محل! پس استناد به قانون برای فصل خصومت، تحصیل دلیل نیست و همچنین است استناد به اصول و کلیات حقوقی که مستفاد از مناط یا روح قوانین است، که در واقع اصل

۱. گلدوزیان، ایرج، پیشین، ص ۲۷۰.

۲. زراعت، عباس، حاجی زاده، حمید رضا، ادله اثبات دعوا، کاشان، قانون مدار، ۱۳۸۸ ش، چاپ ۱، ص ۱۷۶.

بیطرفی را مخدوش نکرده است.^۱

بنابراین، باتوجه به تعریف فوق می‌بینیم که قاضی در امور حقوقی همچون یک داور است و نمی‌تواند به نفع یکی از طرفین وجدا از دلایل ارائه‌شده و خارج از حدود قانونی اقدام به تحصیل دلیل کند؛ پس قاضی دادگاه حقوقی از هرگونه تحصیل دلیل به طرق فوق منع شده است و در این راستا قاعده منع تحصیل دلیل قاضی در امور حقوقی حکم فرماست. همچنین کشف واقع در امور حقوقی نیز در واقع رسیدگی به ادله و اوضاع و احوالی است که اصحاب دعوا آن را بیان کرده‌اند، به عبارت دیگر، کشف واقع به نوعی در راستای تبیین ادعاهاست. ولی تحصیل دلیل، هدایت پرونده و استناد به دلایلی است که طرفین بیان کرده‌اند، بنابراین با توجه به موارد فوق و قاعده منع تحصیل دلیل باید گفت که:

۱- این قاعده در جهت اجرای اصل بی‌طرفی قاضی و جلوگیری از اقامه دلیل به نفع یکی از طرفین است.

۲- کشف واقع در امور حقوقی تنها تبیین ادعاهاست و چیزی جدا از تحصیل دلیل است.

بنابراین، قاعده منع تحصیل دلیل عبارت است از منع هرگونه ساختن و جمع‌آوری دلایل از سوی قاضی به نفع یکی از طرفین دعوا و خارج شدن وی از حدود قانونی رسیدگی به دعوا و ورود در مسائلی که اصحاب دعوا به آن نپرداخته‌اند.

۲. ۱. ۲. ۱. تحصیل دلیل در امور کیفری

به معنای به‌دست آوردن و جمع‌آوری دلایل است. به عبارت دیگر ساختن و به‌دست آوردن آن دسته از ادله و دلایل قانونی که از سوی قاضی کیفری برای کشف واقع و تلاش برای رسیدن به حقیقت انجام می‌شود. تحصیل

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۵ ش، چاپ ۱۶، ص ۱۳۲

دلیل در امور کیفری، یک امر بدیهی و شناخته شده است و دادرس کیفری وظیفه دارد تا اقدامات لازم را در جهت تحصیل دلیل و رسیدن به کشف واقع انجام دهد، اما وجود چنین امری برخلاف امور حقوقی ناشی از وجود عواملی چون جامعه، جرم و هدف مجازات در امور کیفری است؛ به این صورت که در امور کیفری منشأ وقوع جرم و هدف از مجازات در درجه اول جبران لطمه وارده به نظم عمومی است؛ در حالی که در امور حقوقی منشأ زیان وارده به شخص و هدف جبران خسارت زیان دیده است، در امور کیفری تحصیل دلیل به عنوان یکی از تکالیف ضابطین و دادسرا به عنوان نهاد تعقیب است؛ این در حالی است که در امور حقوقی مدعی مکلف به ارائه دلایل است. در امور کیفری دلایل از قبل ارائه نشده بلکه جمع‌آوری و تحصیل دلیل همزمان با ارتکاب جرم و یا بعد از آن است؛ ولی در امور حقوقی اغلب دلایل از قبل ارائه شده است.

بنابراین، باید گفت که در امور کیفری مقام تعقیب و تحقیق مکلف به تحصیل دلیل و جمع‌آوری دلایل است؛ به عبارت دیگر، با توجه به اصل براءت و بی‌گناهی متهم، مقام قضایی مکلف است کلیه اقدامات قانونی لازم را در جهت تحصیل دلیل و جمع‌آوری ادله معتبر برای کشف حقیقت فراهم نماید؛ البته باید به این نکته اشاره کرد که آزادی تحصیل دلیل در امور کیفری با برخی محدودیت‌ها نیز مواجه است؛ هرچند این محدودیت‌ها بیشتر در مرحله دادسرا به چشم می‌خورد. با توجه به موارد فوق، متوجه می‌شویم که میان امور حقوقی و کیفری در رابطه با تحصیل دلیل و کشف واقع تفاوت‌هایی وجود دارد؛ زیرا هدف و مبنای متفاوت در امور حقوقی و کیفری باعث می‌شود نحوه و کیفیت تحصیل دلیل و حدود کشف واقع نیز متمایز باشد. پس در امور حقوقی، تحصیل دلیل به نفع یکی از طرفین ممنوع است و هدف کشف واقع، آن هم تنها از طریق تبیین ادعاها است ولی در امور کیفری علاوه بر تبیین ادعاها قاضی می‌تواند هر اقدامی را انجام دهد.

به عبارت دیگر، آنچه مد نظر قانون‌گذار است تنها کشف واقع است؛ حتی اگر در این رابطه اصل بیطرفی رعایت نشود.

همان‌طوری که گفتیم دادسرا به عنوان مرجع اصلی در اعمال و اجرای تحصیل دلیل در امور کیفری است؛ بنابراین، به عنوان مقام تعقیب و تحقیق، می‌تواند برای اثبات جرم و کشف واقع هر اقدامی را انجام دهد؛ به عبارت دیگر، علاوه بر شاکی، خود دادسرا و مقام دادستان نیز به دلیل جنبه عمومی جرم و لطمه وارده به جامعه در جهت تحصیل دلیل و جمع‌آوری دلایل برمی‌آید، امری که در امور حقوقی به‌هیچ عنوان پذیرفته نیست و تنها طرفین دعوا می‌توانند دلایلی را علیه یگدیگر جمع‌آوری نمایند و قاضی دادگاه ممنوع از هرگونه تحصیل دلیلی به نفع یکی از طرفین است ولی می‌بینیم که در امور کیفری با توجه به جنبه عمومی جرم و زیان وارده به جامعه علاوه بر شاکی، تحصیل دلیل حتی توسط خود دادستان نیز برای کشف واقع انجام می‌شود. هرچند دادسرا نیز باید در اجرای این اصل موارد قانونی را در نظر بگیرد و حقوق و آزادی‌های افراد را مد نظر داشته باشد. از جمله مواردی که نهاد دادسرا باید در اجرای اصل رعایت نماید می‌توان به منع تحصیل دلیل از طریق ضبط و افشای مکالمات تلفنی و استراق سمع، شکنجه و سؤالات تلقینی اشاره نمود. بنابراین ملاحظه می‌کنیم که دادسرا نیز در جمع‌آوری دلایل و تحصیل دلیل به طور مطلق عمل نمی‌کند؛ در ضمن، آنچه در این مرحله مد نظر قانون‌گذار است چیزی جدا از نفع یکی از طرفین است و آن همان کشف و اثبات جرم و جبران زیان وارده به جامعه است. به بیان دیگر نمی‌توان گفت در این مرحله اقدام دادستان به نفع شاکی است و این امر منجر به عدم رعایت اصل بی‌طرفی توسط قضات تحقیق می‌شود؛ زیرا اولاً وظیفه قضات تحقیق همان تکمیل پرونده و کشف جرم و اثبات مجرمیت و فرستادن پرونده به دادگاه است و به عبارت بهتر، پرونده در این مرحله مورد قضاوت قرار نمی‌گیرد. ثانیاً ممکن است عدم مجرمیت فرد نیز اثبات شود؛